



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهروار بجرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

نادر میربقالری (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (استندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (ویوتانگ)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

ناصر طالبیان‌زاده (کارگردان)



نگاهی به فیلم «آن زن گفت»

## تکرار پروژه نخنمای «من هم»

فاطمه قاسم‌آبادی

جنبش «من هم» تقریباً شش سال پیش و در سال ۲۰۱۷، با دادگاهی شدن تهیه‌کننده افسانه‌ای هالیوود «هاروی واینستین» شروع شد و طی مدت کوتاهی، موجش به دیگر کشورهای اروپایی و آسیایی رسید… یکی از اهداف این جنبش‌هالیوودی در ابتدا، احقاق حق قربانیان تعرضات و تجاوزات جنسی معرفی شد ولی در انتها به غیر از تعداد خاصی از شاکیان که جزو سلبریتی‌های معروف بودند، بقیه قربانیان سرخورده و بی‌آبرو شدند و به حاشیه رفتند و هیچ عدالتی هم به نفع‌شان اجرا نشد.

شاید بتوان تنها دستاورد این جنبش را اعلام رسمی تن‌دادن به تعرضات بالادستی‌ها، در مشاغل مختلف دانست که به زنان و مردان اعلام می‌کرد، برای بالا رفتن از پله‌های ترقی و در کمترین موارد، برای نگه‌داشتن شغل‌شان، باید سستی‌هایی از این قبیل را تحمل کنند و این یک اتفاق کاملاً عادی است که در هر شغلی مخصوصاً در صنعت سینما متداول است.

فیلم «آن زن گفت» به کارگردانی «ماریا شرادر» محصول سال ۲۰۲۲ آمریکاست و ماجرای دو خبرنگار زن به نام‌های «جودی کانتور» و «مگان توهی» است که به‌خاطر مقاله جنجالی‌شان در مورد رسوایی‌های جنسی در صنعت هالیوود، باعث به‌وجود آمدن جنبش من هم، شدند.

داستان آغاز من هم

ماجرای فیلم «آن زن گفت»، در مورد دو خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز به نام‌های جودی کانتور و مگان توهی است که به‌خاطر انتشار گزارشی در مورد سوءاستفاده جنسی هاروی واینستین، تهیه‌کننده معروف هالیوودی از زنان این صنعت، توجه مردم و رسانه‌ها را به این موضوع جلب کردند. این گزارش را می‌توان سرفراز‌جنش «من هم» دانست که از ده‌ها سال تعرض جنسی در سینما برده برداشت.

در ابتدای داستان، این دو خبرنگار، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به سراغ «دونالد ترامپ» می‌روند و سعی می‌کنند پای او را به‌خاطر تعرضاتش به ماجرا باز کنند ولی موفق نمی‌شوند مدارک دندان‌گیری به دست بیاورند و ترامپ هم چند ماه بعد رئیس‌جمهور می‌شود.

پس از این ماجرا این دو خبرنگار به سراغ هاروی واینستین می‌روند و با پیگیری‌های بسیار زیاد و همکاری تعداد خاصی از مسئولین این صنعت، موفق می‌شوند نام او را با شاکایت‌های متعدد به میان بیاورند. این اتفاق شروع موجی بود که تا چند سال بعد ادامه داشت و برای خبرنگاران این مقاله هم، جایزه «پولیتزر» را به ارمغان آورد.



اول اسکار بعد رابطه!

شاید بتوان گفت اولین شهادت با آوردن اسم واینستین را «شلی جاد» بازیگر و ستاره زن معروف دهه ۹۰ به میان آورد و در ادامه از سوءاستفاده واینستین با صراحت صحبت کرد. این ستاره در فیلم آن زن گفت، با حضور در نقش خودش در جایی عنوان می‌کند که وقتی به اتاق واینستین در هتلی می‌رود و واینستین از او درخواست نایجا می‌کند، او در جوابش می‌گوید: «هاروی، وقتی توی به فیلم از تیرکت میرماکس، اسکار برنده شدم چنین درخواستی از انجام می‌دهم» واقعبین این‌جاست که هالیوود به‌عنوان یک صنعت پولساز، به شدت تحت تهیه‌کنندگان و صاحبان کمپانی‌های بزرگش است. در جایی خود واینستین عنوان کرده بود که می‌تواند دامن بخش قابل توجهی از اعضای آکادمی علوم و هنرهای فیلم‌سازی آمریکا را بگیرد و جایزه‌های بزرگ را به کسانی که اراده می‌کنند، بدهد! «جینفر لارنس» بازیگر جوانی که تاکنون جایزه بار، به خاطر فیلم‌های مختلف، نامزد اسکار شده و در سال ۲۰۱۲ هم به خاطر فیلم «کتاب بارقه امید» توانسته این جایزه را به خودش اختصاص دهد، طبق ادعای هاروی واینستین، به خاطر رابطه با او این جایزه را گرفته… واینستین در این مورد گفته بود:

«با جینفر لارنس رابطه غیراخلاقی داشتم» و همین ارتباط بوده که منجر به گرفتن اسکار توسط خانم بازیگر شده است…»

از طرف دیگر سال‌ها قبل، «گوئیت پالترو» دیگر ستاره سابق هالیوود که ادعا کرده توسط واینستین مورد تجاوز قرار گرفته است، بعد از چند سال از این اتفاق، در فیلمی به تهیه‌کنندگی واینستین به نام «شکسپیر عاشق» بازی کرده و کاملاً تصادفی جایزه اسکار را از آن خودش کرده است! این اتفاق برای دیگر مدعی آزار از طرف واینستین یعنی «تچینیا جول» هم افتاده است!

به خاطر تمام این وقایعات، کاملاً منطقی است که اشلی جاد به‌مضد درخواست غیر اخلاقی هاروی واینستین، اول به قهر اسکار باشد چرا که از قدرت این تهیه‌کننده در اعمال نظرش بر اعضا و داروان اسکار کرده و آگاهی کامل داشته است و به معاملات این صنعت وارد بوده است.

در فیلم «آن زن گفت»، تنها آن بخش از قربانیان‌شان داده می‌شوند که با سکوت، تن به خواسته این تهیه‌کننده بیمار داده‌اند و دلیل سکوت هم از دست ندادن موقعیت شغلی بوده است و بدت الصه که قربانیانی که برای حفظ شرافت‌شان حاضر به رابطه با واینستین نشده‌اند و کار خود را دست داده‌اند را اول اصلا و ماجرا نکرده‌اند.

واقعبین این‌جاست که از نظر این خبرنگاران، تنها زمانی که برای حفظ کارشان تن به چنین ذلتی داده‌اند، قربانی هستند و حلاً با شکایت از واینستین و دامن زدن به مقاله آنها، باید تبدیل به قهرمانان ملی شوند!

در فیلم آن زن گفت، به‌خاطر شغل در جامعه غربی چنان مهم تلقی می‌شود که در مقابلش تن‌دادن به هر ذلتی توصیه دارد و قابل قبول به نظر نشان داده می‌شود. در تمام موارد مورد بررسی فیلم از شاکیان، همه زنان با اکراه در مقابل خواسته واینستین تسلیم می‌شوند و شغل خود را حفظ می‌کنند ولی بعدش حس بدی داشته‌اند و ستاره‌های مورد تعرض واقع شده هم دقیقاً بعد از معروف شدن و گذشتن از سن جوانی و زیبایی‌خیره‌کننده‌شان یادشان می‌آفتد که برای طی کردن پله‌های پیشرفت در ح‌شان ظلم شده است!

بازنده شکار می‌شود

در ابتدای فیلم «آن زن گفت»، مخاطبین می‌بینند که گیرانداختن متجاوزین در بین سلبریتی‌ها مانند یک پروژه در دست این دو خبرنگار است و آنها در ابتدا سعی در به دام‌انداختن دونالد ترامپ دارند ولی وقتی موفق نمی‌شوند و ترامپ هم رئیس‌جمهور می‌شود می‌روند سراغ گزینه‌ای مانند واینستین. واینستین در سابقه سیاسی‌اش از جمله حامیان و کمک‌کنندگان قدیمی حزب دموکرات و کمپین‌های ریاست‌جمهوری باراک اوباما، هیلاری کلینتون و جان کری بوده است. او از کمپین ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ اینستین حمایت کرد و در خانه‌اش در وستپورت کنتیکت، برای رئیس‌جمهور اوباما در سال ۲۰۱۲ مراسم جمع‌آوری کمک مالی برگزار کرد. بعد از پیروزی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات سال ۲۰۱۶، واینستین به عنوان گزینه طرف بازنده یا چهره شناخته شده دموکرات‌ها، برای این رسوایی ملی انتخاب شد. جالب است که سزانه فیلم اصرار دارد این حمله به افراد با نفوذ و قدرتمند را تنها یک اتفاق معمولی که از طرف دو خبرنگار زن هدایت می‌شده، معرفی کند و با این کار به شعور مخاطبینش توهین می‌کند، چرا که همه می‌دانند صنعت و رسانه‌ای که سال‌ها از افراد قدرتمندش در مقابل قانون و تعین محافظت کرده است، باید بنا به دلایلی از پشت این افراد کنار کشیده باشد و سیاستی در ابعادی بزرگ‌تر از این افراد، باعث این اتفاق شده باشد، نه صرف یک مقاله از طرف دو خبرنگار نام‌ناشنا.

اجرای عدالتی که بر یاد رفت

در حقیقت، بعد از جنجال‌های رسانه‌ای جنبش من هم، که تنها باعث دوباره مورد توجه قرار گرفتن ستاره‌های سابق هالیوود بود، در مورد قربانیان دیگر، سودی در بر نداشت. تعداد زیادی شکایت در این میان صورت گرفت که همگی بعد از چندین سال کشمکش، بی‌ثمر ماند. نتیجه این‌که تمام کسانی که علیه آنها شکایت شد مانند «مورگان فریمن»، «استین هافمن» و… و البته دادگاه‌های جنجالی تجاوز «کوین اسپسی» به پسرچهارم‌های نوجوان هم در انتها، به خاطر کمبود مدارک با صرف‌نظر شاکیان پرورنده (به‌خاطر گرفتن پول گزاف) یا با رای به بی‌گناهی اسپسی، بعد از چند سال بسته شد. این دادگاه و دادگاه‌کشی‌ها که بیشتر شبیه یک تسویه حساب مافیایی، درون صنعت هالیوود بود، در نهایت با تیرنه اکثر مشتمین به پایان رسید و قربانیان هم بدون هیچ حاشیه‌سازی جدید، به سر جای خود برگشتند. در این میان هیچ خبری هم از گذاشتن قوانینی برای جلوگیری از این اتفاقات در آینده نشد و در یک کلام، اسکار که این همه براهی برای هیچ اتفاق افتاد و هیچ چیز به نفع و یا در جهت کمک به تازه‌واردان ضعیف، به صنعت هالیوود اتفاق نیفتاد.

شاید به خاطر تمام این اتفاقات بود که فیلم «آن زن گفت»، با شکست بزرگی در گیشه مواجه شد و حتی نتوانست یک سوم بودجه ساختش بفروشد و منتقدین هم این فیلم را نپسندیدند و ماجرای دو خبرنگار نیویورک تایمز، که به جنگ با فساد چندین ساله درهالیوود رفتند، به قدری مضحک بود که هیچ مخاطبی آن را نخرید.



پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

نادر میربقالری (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (استندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (ویوتانگ)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

ناصر طالبیان‌زاده (کارگردان)

# رمز کودتا توسط بی‌بی‌سی خوانده شد

«این‌جا لندن است، رادیوی BBC، اکنون دقیقاً نیمه شب است…»

در کتاب خاطرات دانالد ولبر و همچنین کتاب «انگلتسان و سرنگونی دولت دکتر مصدق» تألیف ویلیام راجر لوویس ذکر شده که این جمله رمز کودتای سپیاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود و درست در ساعت ۱۲ نیمه شب ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ به‌جای جمله همیشهگی «کانون نیمه شب به وقت لندن است» از رادیوی BBC پخش گردید و شاه را نسبت به حمایت سازمان‌های جاسوسی انگلیس (بعنی MI۵ و MI۶) از کودتا علیه دولت دکتر محمد مصدق مطمئن ساخت.

مارک گارویروسکی (استاد علوم سیاسی دانشگاه لویزیانای آمریکا که کتاب‌ها و مطالب متعددی درباره سیاست خارجی آمریکا و روابط این کشور با کشورهای جهان سوم دارد) در کتاب خود تحت عنوان «کودتای سال ۱۳۳۲ علیه مصدق» در این باره نوشته است:

که در هنگام انجام کودتا همراه برادرانش به خدمت سفارت آمریکا گرفته شد) در روزهای ۳۰ و ۳۱ ژوئیه (۸ و ۹ مرداد) با شاهه ملاقات کرد. وی برای اثبات این امر که از جانب انگلتسان سخن می‌گوید تریبی داد که یکی از عبارت‌های انتخاب شده شاه از رادیو BBC پخش شود…»

اگرچه حکم شاه مبنی بر برکناری مصدق با بازداشت حامل آن یعنی سرهنگ نعمت‌الله نصیری (که بعدها رئیس‌سی‌اواک شد) بی‌نتیجه ماند، اما از همان زمان کلید انجام کودتا که تحت عنوان عملیات «چکمه» توسط مسئول آن در MI۶ یعنی کریستوفر مونتگاک دودهاوس و با نام عملیات «آواکس» توسط عامل مستقیم CIA یعنی کریمت روزولت هدایت می‌شد، زده شد.

**شعری که شب کودتا از بی‌بی‌سی پخش شد**
شب قبل از کودتای ۲۸ مرداد نیز رادیو BBC برنامه فارسی خود، شعری از فردوسی را قرائت کرد که دوازده سال پیش از آن، در شب سوم شهریور ۱۳۲۰ و در آستانه ورود ارتش‌های اشغالگر انگلیس به ایران توسط یک پهانی ایرانی که ریاست محفل بهائیان بریتانیا را هم برعهده داشت، به نام حسن موقر بایوزی تأسیس گردید و برنامه‌هایش در جهت توجیه این حمله و اشغال و همچنین تغییر حکومت رضاخان به محمدرضا تهیه و پخش می‌شد.

سر ریدر بولارد، وزیر مختار وقت بریتانیا در ایران در این‌باره در خاطراتش نوشته است: «این واقعا تأسفک‌بار بود که درست در زمانی که ما احتیاج به همراهی و مساعدت مردم ایران داشتیم، آنها به سرزنش ما پیرزاند و از اینکه حامی شاه مورد تفرشان بودیم، اظهار گله‌مندی بنمایند. ولی این ریدر بولارد که در سال ۱۹۹۱ در لندن منتشر شد،

باج بگیر و باج بده
باید تاریخ می‌پیوندد!
جای نگرانی نیست
ان‌شالله.

**چرا برنامه پاورقی مهم است؟**

همواره در وقایع مختلف سیاسی، به ویژه در فتنه‌ها اتفاقاتی می‌افتد که به معنی واقعی کلمه برای «سوز» مناسبی برای کار در عرصه‌های مختلف سیاسی است. فرهنگی، اجتماعی، و… به ویژه در عرصه طنز محسوب می‌شود. فتنه اخیر مهسا امینی هم در کنار پرکات فحش خوردن رضا رشیدپور و محمدرضا گلزار در حال گرم کردن برای بازگشت به تلویزیون هستند.



رشید پور هم به این مسئله واکنش نشان داد و در نهایت بعد از کنی و قوس‌های فراوان و کلیپ انصراف شهپازی از اجرای برنامه پاورقی، رشیدپور از حضور در تلویزیون فعلاً انصراف داد و جیلی رئیس سازمان صدا و سیما هم اعلام کرد که برنامه پاورقی با اجرای شهپازی ادامه خواهد یافت.

فارغ از این حواشی که در روزهای اخیر رسانه‌های مختلف به صورت مفصل به آن پرداختند و ما هم در کیهان نکاتی راجع از سن جوانی و زیبایی‌خیره‌کننده‌شان یادشان می‌آفتد که برای طی کردن خود را تشریح کردیم باید نگاهی به عملکرد طنزهای سیاسی انقلابی در سازمان صداوسیما مخصوصاً برنامه پاورقی بیندازیم که نقش این برنامه‌ها در جهاد تبیین و دفاع از مواضع انقلاب و بر ملا کردن تناقض‌ها و دروغ‌گویی‌های ضد انقلاب شاخص بود و در طور یک سال گذشته توانسته ماهیت واقعی شورش زن، زندگی و آزادی را بر ملا کند.

**حمایت مردمی از برنامه پاورقی**

در همین زمینه مسردم هم در خبرگزاری فارس کمپینی برای ادامه این برنامه راه انداختند و نوشتند که با توجه به موفقیت‌های برنامه حلاق و روشنگر‌ها پاورقی همراه با نویسندگی و اجرای خوش ذوق و با هوش و با استعداد آقای شهپازی، درخواست داریم همچنان پرقدردت به ساخت برنامه پاورقی ادامه دهید که اعلام این‌گونه برنامه‌ها در تلویزیون به شدت وجود دارد.

با توجه به این درخواست‌ها و واکنش‌ها پیمان جیلی رئیس رسانه ملی در صفحه‌خود در فضای مجازی نوشت: در رسانه ملی مسیر تحولی بازگشت‌پذیر نیست. یک سال اخیر و تحول مشهود در محتوا و رویکرد، بهترین دلیل است. در این‌ دوره تحولی، مدیریت

**بی‌بی‌سی در فتنه ۸۸**

رادیو و تلویزیون فارسی BBC از پیش از برگزاری انتخابات دوره دهم ریاست‌ت جمهوری ایران و پس از آن و در طول فتنه برنامه‌ریزی شده سرویس‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی غرب صلیبی ایهویی علیه مردم ایران در سال ۱۳۸۸، حضور چشمگیری داشت و با پخش شایعات هدایت شده و رهبری آشوب‌ها و اغتشاشات، نقش مهمی در آن طرح براندازی نرم جمهوری اسلامی توسط امپریالیسم ایفا نمود. درباره این که چگونه بی‌بی‌سی‌علی‌رغم استقلال مورد ادعایش اما در تمامی طراحی‌های کانون‌های استعماری و امپریالیستی غرب، به طور فعال حضور داشته و دارد، مجید تفرشی می‌گوید:

«…این اختلاف‌نظر که آیا بی‌بی‌سی باید مستقل عمل کند یا با نظر وزارت امورخارجه بریتانیا کار کند، با این سند رسمی که نقل قول مستقیم می‌کنم، پایان می‌پذیرد. بی‌بی‌سی پذیرفت که دولت انگلتسان، به لحاظ قانونی می‌تواند با پذیرش کامل و علنی، پخش هر موضعی را از بی‌بی‌سی بخواند…» عباس دهقان از کارکنان نشن اول «بی‌بی‌سی» در گفت‌وگویی گفته است:



«… ما دقیقاً آنچه را که به ما داده می‌شد، می‌خواندیم. ما مجاز به هیچ تغییر نبودیم، دو نفر انگلیسی بودند که به آنچه ما می‌خواندیم و پخش می‌کردیم، نظارت کامل می‌کردند. آنها به زبان فارسی صحبت می‌کردند و به دقت گوش می‌کردند…»

در هدایت BBC توسط کانون‌های صهیونیستی همین کافی است که «اپرت فیسک» روزنامه‌نگار مشهور انگلیسی و از کارشناسان مسائل خاورمیانه و در واکنش به توجیه جرمی بون (سرمدیر بخش خاورمیانه‌ای BBC) در وب سایت کانتر پانچ نوشت: «… لابی اسرائیل بیش از ۷۰ سال است که در این رسانه نفوذ دارد و این بنگاه خبری علاوه‌بر دفاع از تئوریسم اسرائیلی و اشغال غیر قانونی سرزمین‌های فلسطینی به عنوان بلندگوی لابی‌های اسرائیل و ساختنوی این رژیم عمل می‌کند…»

۱- همایش ایران و استعمار انگلیس - تالار آمینی دانشگاه تهران - ۲۳ مهرماه ۱۳۴۷
۲- سر ریدر بولارد، «همه‌ای که تهران» ترجمه غلامحسین مرزا صالح- انتشارات نگاه معاصر - چپال اول - ۱۳۸۸ - تهران
۳- همایش ایران و استعمار انگلیس- پیشین

اعتراضات و تحریک هیجان و احساسات افراد به ویژه جوانان و نوجوانان برای شرکت در آشوب‌ها و ناامنی‌ها بوده است.

دشمنان و معاندان نظام به‌ویژه آمریکا در این سال‌ها به‌خوبی دریافته‌اند که کودتا از بیرون و حمله سیاسی، اقتصادی و نظامی در مورد ایران کارساز نیست، برای همین تمام بودجه اقتصادی‌شان را در بخش رسانه و فضای مجازی هزینه می‌کنند.

فضای مجازی به دلیل وجود گروه‌ها و کانال‌های متفاوت و متنوع و همچنین فراگیری آن در میان مردم منتقدین را هم در بخش صدای مردم شنیده‌اید. چرایی که دل در گرو دشمن دارند و تصور می‌کردند با یهاهو در فضای مجازی، انقلاب مردمی و مستحکم ایران آسیب می‌بیند، این برنامه را با الفاطنی چون «مزخرف» است. این تأثیرپذیری در نوجوان هم از جهت تاثیر در نظام ارتشی، باورها و هنجارهایشان رخ داده و هم از نظر داده‌هایی که در فضای مجازی تولید می‌شود و تأثیراتی در آنها گذاشته است. در اغتشاشات اخیر همه رسانه‌های بی‌طرفانه ایران در زمینه افراق شده و بی‌درد نخور، «بخود»، و… نقد می‌کنند. «بغض» این فضا پاورقی چه نظری دارند؟ اگر شما هم برنامه را دیده باشید لابد صدای منتقدین را هم در بخش صدای مردم شنیده‌اید. چرایی که دل در گرو دشمن دارند و تصور می‌کردند با یهاهو در فضای مجازی، انقلاب مردمی و مستحکم ایران آسیب می‌بیند، این برنامه را با الفاطنی چون «مزخرف» است. این تأثیرپذیری در نوجوان هم از جهت تاثیر در نظام ارتشی، باورها و هنجارهایشان رخ داده و هم از نظر داده‌هایی که در فضای مجازی تولید می‌شود و تأثیراتی در آنها گذاشته است. در اغتشاشات اخیر همه رسانه‌های بی‌طرفانه ایران در زمینه افراق شده و بی‌درد نخور، «بخود»، و… نقد می‌کنند. «بغض» این فضا پاورقی چه نظری دارند؟ اگر شما هم برنامه را دیده باشید لابد صدای منتقدین را هم در بخش صدای مردم شنیده‌اید. چرایی که دل در گرو دشمن دارند و تصور می‌کردند با یهاهو در فضای مجازی، انقلاب مردمی و مستحکم ایران آسیب می‌بیند، این برنامه را با الفاطنی چون «مزخرف» است. این تأثیرپذیری در نوجوان هم از جهت تاثیر در نظام ارتشی، باورها و هنجارهایشان رخ داده و هم از نظر داده‌هایی که در فضای مجازی تولید می‌شود و تأثیراتی در آنها گذاشته است. در اغتشاشات اخیر همه رسانه‌های بی‌طرفانه ایران در زمینه افراق شده و بی‌درد نخور، «بخود»، و… نقد می‌کنند. «بغض» این فضا پاورقی چه نظری دارند؟

برنامه پاورقی در روزگاری که رهبر انقلاب فرمان جهاد تبیین را در مقابل اقدامات رسانه‌ای و فرهنگی دشمن صادر کردند توانست در رسانه ملی خار چشم دشمنان انقلاب باشد. افشاکاری‌های این برنامه به زبان طنز همواره ضد انقلاب را از اراده و حلات به این برنامه هم به‌خاطر همین موفقیت و اثر گذاری آن است. بنابراین باید نه تنها این برنامه ادامه پیدا کند بلکه باید تقویت و ارتقا، پیدا کند. تلویزیون نیازمند طنزهای سیاسی همانند پاورقی برای مقابله با دشمنان انقلاب در عرصه رسانه و حوزه فرهنگی است. حالا که با تدبیر رئیس رسانه ملی مشکل پیش روی این برنامه و مجری آن حل شده مردم انقلاب انتظار دارند برنامه پاورقی با قدرت و اثر گذاری بیشتر بر تلویزیون برگردد.

نشان می‌دهد مطالبی که در آن هنگام برای توجیه حضور ارتش‌های متفقین از جمله نیروهای انگلیسی در خاک ایران از رادیو BBC پخش می‌شد، قبلاً به وسیله آن لمبتون، معروف‌ترین جاسوس انگلیس و وابسته مطبوعاتی آن زمان سفارت انگلیس در تهران تهیه و به لندن ارسال گردیده و در موقع مقتضی به BBC دستور داده می‌شد که آنها را پخش نماید. **رهبر تراشی و سوار شدن بر موج مبارزات مردمی** اما بی‌بی‌سی در کل دوران حکومت رژیم شاه به حمایت و تحسین و تجلیل از سیاست‌های مخرب

**سعید مستغانی**



وضع دیری نپایید، زیرا ما توانستیم با آغاز پخش برنامه‌های فارسی BBC از لندن و دهلی، تا حدود زیادی بر این مشکل فائق آییم…»

**محل بهائیان گرداننده بی‌بی‌سی**

مجید تفرشی درباره حاکمیت فرقه ضاله بهائیت بر بی‌بی‌سی توضیح می‌دهد:

«… حسن موقر بایوزی، نخستین فردی هست که نامش به عنوان سخنران و سخنگو و یا سخنور در تاریخ بی‌بی‌سی ثبت شده فرزند میرزا علی محمد بایوزی بود که از اقوام خاندان افتان و از اقوام میرزا

علی محمد باب هستت و در جوانی برای تحصیل به انگلیس می‌رود، ازدواج می‌کند و در شرايطی به استخدام بی‌بی‌سی درمی‌آید که چند ماه قبلش به عضویت مجمع ملی بهائیان موسوم به رضوان درآمد بود. چند سال هم بعد از تأسیس بی‌بی‌سی به عنوان یکی از ایادی امرالله تعیین می‌شود که ایادی امرالله در آیین بهائیت عیبیه به یک کاردیبال اعظم دستگاه پاپ است یعنی یکی از بالاترین مقامات مذهبی، حضور چنین آدمی به نام بایوزی در ساختار بی‌بی‌سی فارسی که جزو بزرگ‌ترین رهبران بهائیت بوده و نزدیک بود در بالاترین تصمیم‌گیری‌های بی‌بی‌سی حضور داشته تا حد زیادی نشان می‌دهد

که جهت‌گیری‌های بی‌بی‌سی به چه سویی تنظیم و هدایت می‌شده است. البته بایوزی رئیس محفل بهائیان بریتانیا هم بوده و در واقع رئیس کل بهائیان بی‌بی‌سی محسوب می‌شد تا زمانی که زنده بود یعنی در سال ۱۹۸۲…»

همچنین نامه‌های خصوصی و گزارش‌ها محرمانه ریدر بولارد که در سال ۱۹۹۱ در لندن منتشر شد،

عکس‌العمل سریع در برابر اخبار جعلی و دروغ‌بین سبب می‌شود تا قبل از آنکه تعداد زیادی از مردم آن را ببینند

به ماهیت آن بی بیرند و به اصطلاح تا نتور شایعات داغ است نان حقیقت و راستی را به آن بیچسباند.

**از راه راه تا پاورقی**

شهپازی را ابتدا باید به طنز طنز پراز معرفی کرد: اول برنامه طنزهای یا مرور وقایع سیاسی اخیر فرهنگی، اجتماعی، و… به ویژه در عرصه طنز محسوب می‌شود. فتنه اخیر مهسا امینی هم در کنار پرکات دبیرستان آغاز کرد و به دلیل علاقه به کارهای کمیک

عکس‌العمل سریع در برابر اخبار جعلی و دروغ‌بین سبب می‌شود تا قبل از آنکه تعداد زیادی از مردم آن را ببینند به ماهیت آن بی بیرند و به اصطلاح تا نتور شایعات داغ است نان حقیقت و راستی را به آن بیچسباند.

از راه راه تا پاورقی
شهپازی را ابتدا باید به طنز طنز پراز معرفی کرد: اول برنامه طنزهای یا مرور وقایع سیاسی اخیر فرهنگی، اجتماعی، و… به ویژه در عرصه طنز محسوب می‌شود. فتنه اخیر مهسا امینی هم در کنار پرکات فحش خوردن رضا رشیدپور و محمدرضا گلزار در حال گرم کردن برای بازگشت به تلویزیون هستند.

تصمیم می‌گیرد تا وارد حرفه طنز شود. او درباره نحوه کشورمان داد تا در این عرصه دست به تولید برند. از جمله رسانه ملی با ساخت برنامه پاورقی و هدف را در بی گرفت: اول برنامه طنزهای یا مرور وقایع سیاسی اخیر در فضای واقعی و مجازی ساخت و دوم با هدف ارتقا سواد رسانه‌ای مخاطب به شکل غیرمستقیم، یکی از بهترین برنامه‌ها را تولید کرد. این دو هدف همواره مورد مطالبه مردم و رهبر انقلاب بوده که رسانه ملی به عنوان یک دانشگاه، بتواند سواد رسانه‌ای مردم را ارتقا دهد.

پاورقی به تهیه‌کنندگی جواد فتحی و اجرای شهپازی می‌کوشد تا لایه‌های پست‌ت پرده اخباری که برای مخاطبان حائز اهمیت و تأثیرگذار است نمایان کرده تا مخاطبان به این درک برسند اخباری که در فضای مجازی می‌بینند و می‌شنوند تا چه میزان سندیت دارد و چه اندازه صحت ندارد. این برنامه بعد از اغتشاشات سال گذشته از شبکه دوم سینما پخش می‌شود که

برنامه پاورقی اولین اجرای او در تلویزیون بود که مسابقه‌ای با محتوای سیاسی را اجرا می‌کرد. وی به تازگی مجری برنامه پاورقی شبکه دو سیما شده است. این برنامه با رصد دقیق و همه جانبه شبکه‌های مجازی برای کتک کتک سوءاستفاده‌کنندگان از ماجراهای روز کشور جوانی در آستین دارد و کاملاً زیرکانه حتی به پست‌های سلبریتی‌ها می‌پردازد و ماهیت دروغ‌بین ولی